

## پیش‌بینی بهداشت روان بر اساس مؤلفه‌های هوش هنری در دانش‌آموزان متوسطه اول استان مازندران

معصومه حسن‌پور<sup>۱</sup>

نگین جباری<sup>۲</sup>

کامبیز اسماعیل‌نیا شیروانی<sup>۳</sup>

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی بهداشت روان بر اساس مؤلفه‌های هوش هنری در دانش‌آموزان متوسطه اول استان مازندران، انجام شد.

**روش‌شناسی:** این پژوهش، کاربردی، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه‌آماري، کلیه دانش‌آموزان متوسطه اول استان مازندران در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ به تعداد ۱۲۴۷۹۶ نفر بودند که طبق جدول کرجسی و مورگان، تعداد ۳۷۵ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه محقق‌ساخته هوش هنری با ۵۵ گویه و بهداشت روان امیدیان و علوی لنگرودی با ۴۶ گویه بود که روایی سازه آن، با استفاده از روش تحلیل عاملی و مقدار پایایی از طریق ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برابر ۰/۹۴ و ۰/۹۲ محاسبه شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیونی و با استفاده از نرم افزار SPSS23 انجام شد.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که رابطه معناداری بین هوش هنری و مؤلفه‌های آن (استعداد هنری، نگرش هنری، ذوق هنری، فعالیت هنری، مهارت هنری و اقتصاد هنر) با بهداشت روان دانش‌آموزان وجود دارد. مؤلفه‌های هوش هنری، ۶۱ درصد از بهداشت روان دانش‌آموزان را تبیین (پیش‌بینی) می‌نمایند. همچنین، مولفه ذوق هنری بیشترین سهم را در پیش‌بینی بهداشت روان دانش‌آموزان دارد.

**نتیجه‌گیری:** هوش هنری و هنر درمانی به عنوان یکی از ابزارهای تقویت و تخلیه هیجانات روانی و عاملی مهم در پیشگیری از بیماری‌های روانی و سلامت دانش‌آموزان می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** هوش، هوش هنری، بهداشت روان، دانش‌آموزان متوسطه اول.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، گرگان، ایران.

<sup>۲</sup> دانشیار گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، گرگان، ایران. [neginjabbary@gmail.com](mailto:neginjabbary@gmail.com)

<sup>۳</sup> دانشیار گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، گرگان، ایران.

## مقدمه

یادگیری و پیشرفت تحصیلی و عوامل موثر بر آن، همواره مورد توجه جدی روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت بوده است و در سال‌های اخیر، آنان همواره درصدد شناسایی متغیرهایی هستند که با کمک آن‌ها بتوانند پیشرفت تحصیلی را ارتقاء ببخشند (عاشوری، ۱۳۹۳). باید توجه داشت، عملکرد و یادگیری هر فرد، متأثر از فرآیندهای شناختی و عاطفی است. تفاوت‌های افراد در این زمینه، نه تنها به علت تفاوت‌های هوشی است، بلکه تابعی از باورها، قضاوت‌ها، افکار، گرایش‌های عاطفی، نگرش‌ها، ارزش‌ها و تجربیات پیشین است (اصغرنژادوهمکاران، ۱۳۸۲). بر اساس سالووی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۲)، تلاش‌های اولیه جهت افزایش پیشرفت تحصیلی، بر عوامل شناختی متمرکز بوده است، با این حال، این متغیرها به طور عادی، مقدار نسبتاً کمی از تغییرپذیری در موفقیت تحصیلی را تخمین می‌زنند. از طرفی، بنابر قنبرلو و همکاران (۱۳۹۴)، پژوهشگرانی مانند مک الفین و همکاران<sup>۲</sup> (۱۹۹۸)، الیاس و همکاران<sup>۳</sup> (۱۹۹۷)، گلن<sup>۴</sup> (۱۹۹۵) و پاسی<sup>۵</sup> (۱۹۹۷) مدعی یک رابطه محکم و قوی بین انواع هوش هیجانی و مولفه‌های آن و پیشرفت در بافت‌های آموزشی مختلف بوده‌اند (قنبرلو و همکاران، ۱۳۹۴).

در میان انواع هوش و هوش هیجانی به عنوان یکی از شناخته شده‌ترین نوع هوش که تأثیراتی بر جنبه‌های مختلف زندگی فرد اعم از تحصیلی، اجتماعی، روان‌شناختی و غیره دارند، اخیراً مفهوم هوش هنری توسعه یافته است. زیباشناسی به بررسی موضوع‌های صوری درباره هنر و شیوه تفکر ما درباره آن‌ها می‌پردازد. داشتن تجارب زیبایی شناختی نه تنها با موضوع‌های صوری در تعامل است بلکه به چگونگی احساس ما درباره این موضوع‌ها و چگونگی تفکر ما درباره هیجاناتی که موجب گسترش شناخت می‌شوند، بستگی دارد. حسین<sup>۶</sup> (۲۰۰۱) با نظریه مرحله‌ای رشد، چارچوبی برای تشریح چگونگی درک آدمی از بسیاری مسایل، از جمله زیباشناسی ارائه داد. او با الهام از فعالیت‌های پیاز<sup>۷</sup> و ویگوتسکی<sup>۸</sup>، به دنبال الگو و نظمی در رفتارهای قابل مشاهده مردم در حوزه هنر بود و سعی می‌کرد مشاهده‌های خود را تفسیر کند. از سویی، رید<sup>۹</sup> (۱۹۸۴) باور داشت که در جریان درک آثار زیباشناسانه سه مرحله پشت سر گذاشته می‌شود؛ نخست، ادراک صرف کیفیت‌های مادی (مانند رنگ‌ها، حرکت‌ها و بسیاری محرک‌های دیگر)؛ دوم، آرایش این‌گونه ادراک‌ها و سازمان‌بندی آن‌ها به صورت شکل‌ها و نقش‌های لذتبخش. در مرحله سوم، این‌گونه آرایش‌ها و سازمان‌بندی‌ها را با حالت عاطفی ویژه‌ای که از پیش وجود دارد، هماهنگ کردن که در این صورت گفته می‌شود، فلان عاطفه یا احساس بیان شده است (رشید و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین، هنگامی که فرد یاد می‌گیرد درباره رویارویی خود با جهان پیرامون فکر کند، یک ظرفیت نهان برای تجربه‌های هنری بدست می‌آورد. به این ترتیب، یادگیری در هنر به معنای آموختن شیوه‌های تفکر و بنابر آن گسترش یادگیری است. شناخت روابط کیفی دیداری، شکلی از مطالعه منطقی در زمینه‌ای است که فرد از حواس، تخیل، راهبردها و ارزیابی خود استفاده می‌کند. لذا، پیوند میان هیجان‌ها و احساسات حسی، هسته اصلی تجارب هوش هنری را شکل می‌دهند. از آنجایی که عوامل روانی و اجتماعی بر ادراکات انسان اثراتی مهم بر جای می‌گذارند، در احساس او از هنر نیز مؤثرند. عامل هنری در کارهای آدمی، در دورنماها و آرمان‌های او و همه انگیزه‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی یکی از اساسی‌ترین عوامل برانگیزاننده در راستای بیشتر انسانی‌کردن پیرامون ما (طبیعت و اجتماع) است. بنابراین، تنها از راه

1. Salovey et al.

2. Mc Laughlin et al.

3. Elias et al.

4. Goleman

5. Pasi

6. Housen

7. Piaget

8. Vygotsky

9. Reed

عواطف زیباشناختی است که انسان توانسته دلبستگی به محیط را ایجاد کرده و برای کنار زدن هرگونه نارسایی و ناپیوستگی بکوشد (مهاجر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶).

طبق تعریف سازمان بهداشت جهانی<sup>۲</sup> (۲۰۱۱)، سلامتی رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی و نه فقط نبود بیماری است. بنابراین تعریف، مفهوم سلامت روانی از نظر سازمان بهداشت جهانی چیزی فراتر از نبود اختلالات روانی است، که شامل خوب بودن ذهنی، ادراک خودکارآمدی، استقلال و خودمختاری، کفایت و خودشکوفایی توانمندی‌های بالقوه فکری و هیجانی است. طبق این تعریف، چگونگی سازگاری فرد با محیط از عوامل مهم سلامت روان افراد است. به عبارت دیگر، فرد باید بتواند بین آنچه که انجام می‌دهد یا مایل است انجام دهد، از یک سو و آنچه محیط از وی انتظار انجام آن را دارد، از سوی دیگر تعادل ایجاد کند. به عبارت دیگر، سازگاری فرد مستلزم برآوردن نیازهای شخصی خویش مطابق با واقعیت‌های محیطی است (فرخ نیا و سلیمانی، ۱۳۹۳).

ژانگ و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۹) گزارش نموده‌اند که دانش‌آموزان آسیایی در معرض خطر ابتلاء به افسردگی هستند که ممکن است، منجر به جلوگیری از حضور آن‌ها در کلاس درس در مدارس شود. آمارهای موجود شیوع بالای مشکلات روانی به ویژه افسردگی را در میان نوجوانان، ۱۶ تا ۳۰ درصد برآورد کرده‌اند (برنز و گرو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰). بروفائرتز و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۸) در مطالعات خود گزارش نمودند که مشکلات روحی و روانی دانش‌آموزان در سال‌های اول نوجوانی بسیار شایع هستند و به طور قابل توجهی با عملکرد تحصیلی پایین در ارتباط است. هم چنین، وایت و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۱۷) نشان دادند که شیوع و شدت مشکلات سلامت روان در میان دانشجویان و دانش‌آموزان افزایش یافته است و این مسائل تهدیدی برای سلامت و عملکرد تحصیلی آن‌هاست. اثرات سلامت روان بر ۹/۱۱ درصد از کودکان و نوجوانان همانند اثرات سلامت روان بر روی بزرگسالان مشاهده می‌شود. درحالی‌که، کودکان و نوجوانان نسبت به بزرگسالان از آسیب‌پذیری‌های خاصی رنج می‌برند (گرین و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۸). با این حال، بخشی از آگاهی و توانایی‌های کودکان و نوجوانان وابسته به تجربیاتی است که از حضور در محیط به دست می‌آورد. محیط باید محرک و مشوق یادگیری، خلاقیت و فرآیند حل مسئله باشد، درعین حال، نیازمند آن است که امنیت و آسایش روانی و جسمی کودکان و نوجوانان را تامین کند تا بتوانند فارغ از عوامل بازدارنده و کاهنده تمرکز، افکارشان را پرواز دهند و تجربه‌های جدیدی کسب نمایند. از طرفی، هنر جهان گسترده‌ای است که هم‌زمان می‌تواند نقش درون‌سازی و برون‌سازی را برای هر فرد ایفا کند، جهان درون خود را به نمایش بگذارد، از طریق درک آثار هنری به بینشی نو دست یابد و یا حتی چیزهایی فراتر از دنیای واقعیت و ملموس فعلی را تجربه کند (عباسی، دانشور و کمالی، ۱۳۹۵). علاوه بر این، هنر شیوه‌ای مناسب برای بیان غیرمستقیم است. کاربرد نقاشی، قصه، داستان و نمایش در تشخیص مشکلات عاطفی و نابسامانی‌های روانی، به‌خصوص در روان‌درمانی کودک و نوجوان مورد تأکید قرار دارد، زیرا در مرحله درمان، کاربرد هنر از طرق مختلف انجام می‌شود و در رهاسازی هیجانات، کاهش فشارهای روانی، کسب بینش و بصیرت نسبت به خود نقشی سازنده دارد. مشارکت کودک در بیان قصه و گفتن داستان‌هایی با زبان خودش، علاوه بر پرورش نیروی تخیل و قدرت خلاقیت وی، در تشخیص و درمان اختلالات روانی تأثیرات مناسبی دارد. به‌خصوص این که گاه کودک از این طریق به بحث‌های مستقیم، توضیح و تشریح مشکلات خود می‌پردازد (نبوی، ۱۳۹۲). در این راستا، پژوهش صادقی‌سیاح (۱۳۹۱)، نشان داد هنر درمانی در سازگاری تحصیلی، اجتماعی و هیجانی کودکان نقش دارد. در پژوهشی دیگر، ویسکرمی و همکاران (۱۳۹۶)، نشان دادند که نقاشی درمانی یک روش مؤثر در افزایش معنای زندگی و سلامت‌روان دانش‌آموزان است. طاعتیان و اصغرزاده (۱۳۹۴) نیز نشان دادند دانش-

1. Mohajer

2. World Health Organization (WHO)

3. Zhang et al.

4. Burns & Grove

5. Bruffaerts et al.

6. Wyatt et al.

7. Greene et al.

آموزانی که هوش فضایی و بصری قوی دارند، از دوربین عکاسی و فیلمبرداری برای یادگیری استفاده می‌کنند و از معماهای دیداری لذت می‌برند. این افراد موضوعاتی را مجسم می‌کنند که هوش کلامی آن را توصیف می‌کند. در این نوع هوش، افرادی که از آن بهره‌ور هستند ترجیح می‌دهند به شکل تصویری فکر کنند. لذا استفاده و کاربرد اشکال و انواع مختلف نقشه، نمودار، جدول، منحنی، تصویر، عکس، پوستر، اسلاید، فیلم، معماهای بصری، نرم-افزارهای گرافیکی رایانه‌ای، اشکال سه بعدی، داستان‌سرایی تخیلی، استعاره‌های تصویری، طراحی بصیری، کولاژ، نقاشی، آبرنگ، گرافیک، مجسمه‌سازی، سفالگری، طراحی ذهنی و تمامی حوزه‌های هنرهای تجسمی در رشد و پرورش هوش فضایی و بصری دانش‌آموزان تاثیر دارند. در پژوهشی دیگر، نبوی (۱۳۹۲)، نشان داد هنر می‌تواند به عنوان یک ابزار در خدمت آموزش و پرورش دانش‌آموزان در دوره‌های مختلف تحصیلی قرار گیرد و اهداف کلی و غایی نظام تعلیم و تربیت را محقق سازد.

باید توجه داشت نگرش علمی به هوش هنری از این نظر دارای اهمیت است که جنبه‌های سلیقه‌ای و فردی نقد هنری که از اعتباری کمتر برخوردار است، می‌تواند با متدولوژی تجربی مورد بررسی دقیق‌تری قرار گیرد. از سوی دیگر، امکان بهره‌گیری از فعالیت هنری را نه تنها در زندگی روزمره، بلکه در حیطه روان‌شناسی و روان‌پزشکی نیز امکان‌پذیر می‌سازد. چرا که هنر جامعه‌نگر و مردمی می‌تواند از سیطره خواص و غیرقابل دسترس برای عام، از تبعیدگاه موزه و گالری و از سالن‌های کنسرت خارج شود و راه را برای کارکرد علمی در خدمت کیفیت بخشیدن به شناخت و آگاهی جمعی و دگرگونی اجتماعی باز کرده و رسالت اصلی خویش را ایفا کند. افزون بر این، قوت گرفتن تجربه‌های گوناگون هنری و زیبایی‌شناختی در بین عامه مردم و گرایش انبوه مردم به هنرهایی مانند موسیقی پاپ، عکاسی و سینما، درک زیبایی شناختی جدیدی را بوجود آورده است که نمی‌توان از آن چشم پوشید، لذا توجه بیشتر مردم به هنر می‌تواند زمینه‌ای بسیار مناسب برای اجرای برنامه‌های آموزشی، پرورشی و غیره باشد، به‌گونه‌ای که بتوان با شناخت توانایی‌های افراد و قرار دادن آنان در کلاس‌های هنری گوناگون، زمینه شکوفایی استعداد‌های آنان فراهم گردد (رشید و همکاران، ۱۳۹۶). در این میان، پرداختن به بازی‌های هیجانی، نظر به ارضای نیازهای روانی و توأم بودن با تحرک بدنی می‌تواند از عوامل مفید در سلامت روانی محسوب گردد. برای نمونه، بازی‌های نمایشی از سویی بر تقلید، تلقین‌پذیری و همانندسازی کودک با بزرگترها مبتنی است و از سوی دیگر، تلاش کودک را در رهایی از محدودیت‌ها و فشارهای محیط بیان می‌کند و خواسته‌ها، تمایلات و توانایی‌های وی را آشکار می‌سازد (نبوی، ۱۳۹۲).

نظر به این‌که در دهه‌های گذشته بهداشت و سلامت جسمانی در اولویت اول کشورها و یکی از شاخص‌های توسعه محسوب می‌شد و امروزه در میان ملل مختلف بر اهمیت نقش آن افزوده شده و بهداشت و سلامت روانی از اهمیت بالاتری برخوردار شده است، به‌طوری‌که سازمان بهداشت جهانی در سال‌های اخیر بهداشت و سلامت روانی را در دستور کار کشورهای عضو قرار داده و اهداف، برنامه‌ها و شعارهای خود را بر این موضوع مهم، متمرکز کرده است. از سویی، مباحث مربوط به هنر و هوش هنری و نقش آن در رشد ابعاد مختلف جسمی، روحی و روانی آدمی به‌خصوص کودکان و نوجوانان، از جمله موضوعاتی است که در زمانه حاضر با تعریف سازمان بهداشت جهانی از ابعاد مختلف بهداشت و سلامت روانی، همسو و مورد توجه و دقت صاحب‌نظران این حوزه‌ها از علوم، نیز قرار گرفته است. با این-وصف، بررسی‌ها حاکی از آن است که کمتر پژوهشی وجود دارد که به متغیر هوش هنری و تاثیر مولفه‌های آن در پیش‌بینی بهداشت روان دانش‌آموزان پرداخته باشد، دست‌کم نتایج پژوهش‌های انجام شده، منتشر نشده و در اختیار سایر پژوهشگران قرار نگرفته است، به همین سبب، بررسی موضوع در یک جامعه دانش‌آموزی و در دوران نوجوانی که مقطع بسیار حساسی از زندگی فرد است، اهمیت بسیاری دارد. از آن‌جا که دانش‌آموزان، نیروی انسانی برگزیده و سازندگان فردای کشور هستند، فقدان توجه به سلامت و بهداشت روان نوجوانان منجر به ایجاد اختلالات روانی با پیامدهایی طولانی در دوران زندگی می‌شود و ظرفیت مولد و ایمن بودن جوامع را کاهش می‌دهد. بنابراین، شناخت همزمان اختلالات روانی نوجوانان زمینه‌شناسایی مسایل و برنامه‌ریزی برای سیاست‌های مناسب، سلامت آنان در

آینده را فراهم می‌کند. در این میان، نقش انواع هوش و به ویژه هوش هنری که تجلی از احساس زیبایی‌شناسی و مثبت‌اندیشی و تفکر مثبت است، غیر قابل انکار است. لذا، با عنایت به موارد مطرح شده، این پژوهش در پی یافتن پاسخ این سوال است که آیا مؤلفه‌های هوش هنری توان پیش‌بینی بهداشت روان دانش‌آموزان متوسطه اول استان مازندران را دارند؟

## روش پژوهش

با توجه به هدف پژوهش مبنی بر پیش‌بینی بهداشت روان بر اساس مؤلفه‌های هوش هنری در دانش‌آموزان متوسطه اول، طرح پژوهش حاضر از لحاظ هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ روش، جزء مطالعات همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول استان مازندران در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بود که تعداد کل این جامعه آماری برابر ۱۲۴۷۹۶ نفر بود. جهت انتخاب حجم نمونه به جدول کرجسی و مورگان<sup>۱</sup> (۱۹۷۰) مراجعه شد. بر این اساس، تعداد نمونه برابر ۳۷۵ نفر بدست آمد. در این پژوهش برای انتخاب افراد نمونه، از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. بر این اساس، استان مازندران از نظر پراکندگی شهرستان/منطقه آموزش و پرورش به نواحی غرب (بلده، تنکابن، چالوس، چمستان، رامسر، عباس‌آباد، فریدونکنار، کجور، کلاردشت، محمودآباد، نور و نوشهر)، نواحی مرکز (آمل، بابل، بابلسر، بندپی شرقی، بندپی غربی، بهنمیر، جویبار، چهاردانگه، دودانگه، ساری ۱، ساری ۲، سوادکوه، سوادکوه شمالی، سیمرغ، قائم‌شهر و لاریجان) و نواحی شرق (بهشهر، گلوگاه، میانرود و نکا) تقسیم شد. به‌طور کامل تصادفی شده (براساس قرعه‌کشی) ناحیه مرکز انتخاب شد (خوشه نخست). در میان شهرستان/منطقه آموزش و پرورش در مرکز استان مازندران به‌طور کامل تصادفی شده، ۸ شهرستان/منطقه آمل، بابل، بهنمیر، جویبار، ساری ۱، ساری ۲، سوادکوه و قائم‌شهر، انتخاب شد (خوشه دوم). در ادامه، از بین مدارس شهری و روستایی مستقر در این ۸ شهرستان/منطقه، به‌تصادف مدارس شهری (خوشه سوم)؛ از میان دانش‌آموزان دختر و پسر، به‌تصادف دانش‌آموزان دختر (خوشه چهارم)؛ از بین انواع مدارس (دولتی، غیردولتی، شاهد، تیزهوشان و هیأت‌امانی) به‌تصادف مدارس دولتی (خوشه پنجم) و از بین پایه‌های متوسطه اول (هفتم، هشتم و نهم)، به‌تصادف پایه نهم (خوشه ششم)؛ انتخاب شد. به این ترتیب، نمونه‌گیری تا آنجا ادامه یافت که تعداد نمونه به حد مورد نظر پژوهش (۳۷۵ نفر) برسد. در این میان، پرسشنامه‌هایی که به هر دلیل مخدوش بود و یا اطلاعات برخی از صفحات به‌طور کامل پر نشده بود از چرخه نمونه‌گیری خارج می‌شده است تا تعداد نمونه واقعی برابر ۳۷۵ نفر باشد. جهت گردآوری اطلاعات مورد نیاز در خصوص متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش، از پرسشنامه بسته پاسخ استفاده شد.

پرسشنامه هوش هنری: پژوهشگران این پرسشنامه (محقق‌ساخته) را در قالب ۵۵ گویه طراحی نمودند که در آن، از طیف نگرش سنج لیکرت در مقیاس فاصله‌ای استفاده شد و پاسخگو با انتخاب گزینه خیلی زیاد، ۵ امتیاز؛ زیاد، ۴ امتیاز؛ تاحدودی، ۳ امتیاز؛ کم، ۲ امتیاز و خیلی کم ۱ امتیاز کسب می‌نمود. از این رو، عدد ۳ به عنوان نقطه برش (میانگین نظری) در نظر گرفته شد. روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه با نظر ۷ تن از استادان عضو هیئت علمی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان مورد تایید قرار گرفت. روایی سازه نیز با استفاده از روش تحلیل عاملی محاسبه و مشخص شد که شش مولفه شناسایی شده (استعداد هنری، نگرش هنری، ذوق هنری، فعالیت هنری، مهارت هنری و اقتصاد هنر)، در مجموع ۸۸/۶۳ درصد از کل واریانس را تبیین می‌نمایند. مقدار پایایی پرسشنامه (کل) نیز از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ<sup>۲</sup> برابر ۰/۹۴ به دست آمد.

۱. Krejcie & Morgan

۲. Cronbach's alpha

پرسشنامه بهداشت روان: این پرسشنامه توسط امیدیان و علوی لنگرودی (۱۳۸۷) با ۴۶ گویه طراحی شد. در این مقیاس اندازه‌گیری، وضعیت مثبت بهداشت روانی (وجود ویژگی‌های مرتبط با احساس رضایت از زندگی) شامل گویه‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۱، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳ و ۴۴ وضعیت منفی بهداشت روانی (وجود مشکلات روانی و احساس نارضایتی) شامل گویه‌های ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۳، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۴، ۳۵ و ۴۶ را سنجش می‌کند. این مقیاس اندازه‌گیری از طیف نگرش سنج لیکرت در مقیاس فاصله‌ای تشکیل شده که پاسخگو با انتخاب گزینه کاملاً مخالفم، ۱ امتیاز؛ مخالفم، ۲ امتیاز؛ نظری ندارم، ۳ امتیاز؛ موافقم، ۴ امتیاز و کاملاً موافقم ۵ امتیاز کسب خواهد نمود. امیدیان و علوی لنگرودی (۱۳۸۷)، مقدار پایایی را به روش همسانی درونی و ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۲ محاسبه نمودند. در این پژوهش، فقط از بخش وضعیت مثبت بهداشت روانی، استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیونی با نرم افزار SPSS<sup>23</sup> استفاده شد.

### یافته‌های پژوهش

جدول ۱، تجزیه و تحلیل توصیفی (شاخص‌های مرکزی و پراکندگی) متغیرهای مورد بررسی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیرها

متغیر	مولفه‌ها	کمینه	بیشینه	میانگین نمونه	انحراف استاندارد
هوش هنری	استعداد	۱	۵	۳/۷۰	۱/۲۱
	نگرش	۱	۵	۳/۶۶	۰/۹۵
	ذوق	۱	۵	۳/۲۰	۱/۲۲
	فعالیت	۱	۵	۳/۸۸	۱/۰۰
	مهارت	۱	۵	۳/۸۶	۰/۹۶
	اقتصاد	۱	۵	۳/۹۲	۰/۸۴
	کل	۱	۵	۳/۷۰	۰/۶۲
بهداشت روان	۱/۲۵	۴/۸۷	۳/۵۶	۱/۰۰	

جدول ۱، نشان داد که میانگین هوش هنری (۳/۷۰) و مولفه‌های آن (استعداد هنری (۳/۷۰)، نگرش هنری (۳/۶۶)، ذوق هنری (۳/۲۰)، فعالیت هنری (۳/۸۸)، مهارت هنری (۳/۸۶) و اقتصاد هنر (۳/۹۲) و بهداشت روان (۳/۵۶) در دانش‌آموزان، بیشتر از متوسط (نقطه برش: ۳) است. جدول ۲، محاسبات مربوط به مقدار رابطه بین متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۲. بررسی همبستگی بین هوش هنری و بهداشت روان

متغیرها	شاخص‌های آماری	ملاک	تعداد	همبستگی (r)	سطح معناداری
پیش‌بین	استعداد	بهداشت روان	۳۶۱	۰/۴۸**	۰/۰۰۰
نگرش	۳۶۱		۰/۴۴**	۰/۰۰۰	
ذوق	۳۶۱		۰/۴۳**	۰/۰۰۰	
فعالیت	۳۶۱		۰/۴۸**	۰/۰۰۰	
مهارت	۳۶۱		۰/۵۴**	۰/۰۰۰	
اقتصاد	۳۶۱		۰/۴۲**	۰/۰۰۰	
هوش هنری	۳۶۱		۰/۷۷**	۰/۰۰۰	

\*\* معناداری در سطح ۰/۰۱ خطا

جدول ۲، نشان داد که رابطه معناداری بین هوش هنری و مولفه‌های آن (استعداد هنری، نگرش هنری، ذوق هنری، فعالیت هنری، مهارت هنری و اقتصاد هنر) با بهداشت روان در دانش‌آموزان، وجود دارد. چرا که سطح معناداری

(Sig.=۰/۰۰۰) از خطای پیش‌بینی شده ( $\delta = ۰/۰۵$ ) کوچکتر است. با مشخص شدن رابطه معنادار بین مؤلفه‌های هوش هنری (متغیرهای پیش‌بین) با بهداشت روان (متغیر ملاک)، آزمون تحلیل رگرسیونی اجرا و مشخص شد که تمامی مؤلفه‌های هوش هنری در مدل باقی مانده و وارد معادله رگرسیون می‌شوند. محاسبه مقدار آماره دوربین-واتسون<sup>۱</sup> (۱/۸۴) نشان داد فرض استقلال بین خطاها (خطاها همان تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش‌بینی شده توسط معادله رگرسیون هستند) پذیرفته است، چرا که مقدار آماره دوربین-واتسون در فاصله ۲/۵ - ۱/۵ قرار دارد. از مقایسه نمودار توزیع فراوانی خطاها و نمودار توزیع نرمال، مشخص شد که توزیع خطاها تقریباً نرمال است، چرا که نمودار نشان داد خطاها دارای توزیع نرمال با میانگین صفر و انحراف معیار نزدیک به یک می‌باشند. یافته‌ها نشان داد که بین متغیرهای پیش‌بین (استعداد هنری، نگرش هنری، ذوق هنری، فعالیت هنری، مهارت هنری و اقتصاد هنر) همبستگی بالایی وجود ندارد و احتمال هم‌خطی بین متغیرهای پیش‌بین نزدیک به صفر است. چرا که از یک سو، ضرایب تولرانس (۱/۰۱-۱/۳۱) بزرگتر از ضریب عامل تورم واریانس (۰/۷۶-۰/۹۹) است (در صورتی که عامل تورم نسبت به میزان تولرانس افزایش یابد، باعث می‌شود واریانس ضرایب رگرسیون افزایش یافته و رگرسیون را برای پیش‌بینی نامناسب سازد)؛ از دیگر سو، مقدار شاخص وضعیت کمتر از ۱۵ محاسبه شد (۷/۰۵-۱۴/۶۴) که نشان دهنده احتمال عدم هم‌خطی بین متغیرهای پیش‌بین است. همچنین، مقادیر ویژه نیز بیشتر از صفر محاسبه شد (۰/۱۰-۰/۳۳) که نشان می‌دهد همبستگی داخلی متغیرهای پیش‌بین کم و تغییرات کوچک در مقادیر داده‌ها به تغییرات بزرگ در برآورد ضرایب معادله رگرسیون منجر نمی‌شود. جدول ۳، متغیرهایی که در معادله خطی رگرسیون باقی مانده و معنادار شده‌اند را نشان می‌دهد.

جدول ۳. ضرایب همبستگی چندگانه در معادله رگرسیونی

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	r	I <sup>2</sup>	I <sup>2</sup> تعدیل شده
استعداد، نگرش، ذوق، فعالیت، مهارت و اقتصاد هنر	بهداشت روان	۰/۷۸	۰/۶۱	۰/۶۰

جدول ۳، نشان داد که کلیه متغیرهای پیش‌بین در معادله خطی رگرسیون، باقی مانده و معنادار شده‌اند و در مجموع، ۶۱ درصد از بهداشت روان دانش‌آموزان را تبیین (پیش‌بینی) می‌نمایند. چرا که مقدار ضریب تعیین ( $r^2$ ) برابر ۰/۶۱ محاسبه شد. جدول ۴، مقدار F حاصل از تجزیه و تحلیل واریانس رگرسیونی را نشان می‌دهد.

جدول ۴. تحلیل واریانس رگرسیونی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	۲۲۸/۳۰	۶	۳۸/۰۵		
باقی مانده	۱۴۳/۷۰	۳۶۸	۰/۳۹	۹۷/۴۴**	۰/۰۰۰
مجموع	۳۷۲/۰۰	۳۷۴	-		

\*\* معناداری در سطح ۰/۰۱ خطا

جدول ۴، نشان داد که هوش هنری (استعداد هنری، نگرش هنری، ذوق هنری، فعالیت هنری، مهارت هنری و اقتصاد هنر) بر بهداشت روان دانش‌آموزان تاثیر معناداری دارد. چرا که سطح معناداری (Sig.=۰/۰۰۰) از خطای پیش‌بینی شده ( $\delta = ۰/۰۵$ ) کوچکتر و مقدار F حاصل از تجزیه واریانس برابر ۹۷/۴۴ است. جدول ۵، ضرایب (B و  $\beta$ ) متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیونی را نشان می‌دهد.

جدول ۵. ضرایب متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیونی

متغیرهای پیش‌بین	B	Beta	t	Sig.
استعداد	۰/۲۲	۰/۲۶	۷/۳۳**	۰/۰۰۰
نگرش	۰/۱۵	۰/۱۵	۳/۸۸**	۰/۰۰۰
ذوق	۰/۲۷	۰/۳۳	۱۰/۱۵**	۰/۰۰۰
فعالیت	۰/۱۴	۰/۱۴	۳/۶۶**	۰/۰۰۰

<sup>1</sup>. Durbin-Watson Test

مهارت	۰/۳۰	۰/۲۹	۷/۶۸**	۰/۰۰۰
اقتصاد	۰/۱۲	۰/۱۰	۲/۹۸**	۰/۰۰۰

\*\*\*: معناداری در سطح ۰/۰۱ خطا

جدول ۵، نشان داد مولفه استعداد هنری دارای ضریب تاثیر ۰/۲۶، نگرش هنری دارای ضریب تاثیر ۰/۱۵، ذوق هنری دارای ضریب تاثیر ۰/۳۳، فعالیت هنری دارای ضریب تاثیر ۰/۱۴، مهارت هنری دارای ضریب تاثیر ۰/۲۹ و مولفه اقتصاد هنر دارای ضریب تاثیر ۰/۱۰، می‌باشند. بر این اساس، مولفه ذوق هنری بیشترین سهم را در پیش‌بینی بهداشت روان دانش‌آموزان دارد و بعد از آن به ترتیب مولفه‌های مهارت هنری، استعداد هنری، نگرش هنری، فعالیت هنری و اقتصاد هنر، قرار دارند.

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی بهداشت روان بر اساس مؤلفه‌های هوش هنری در دانش‌آموزان متوسطه اول استان مازندران، انجام شد. یافته‌ها نشان داد که رابطه معناداری بین هوش هنری و مولفه‌های آن (استعداد هنری، نگرش هنری، ذوق هنری، فعالیت هنری، مهارت هنری و اقتصاد هنر) با بهداشت روان دانش‌آموزان وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی نیز نشان داد مولفه‌های هوش هنری بر بهداشت روان تاثیر معناداری دارند به طوری که در مجموع، ۶۱ درصد از بهداشت روان دانش‌آموزان را تبیین (پیش‌بینی) می‌نمایند. همچنین، مولفه ذوق هنری بیشترین سهم را در پیش‌بینی بهداشت روان دانش‌آموزان دارد و بعد از آن به ترتیب مولفه‌های مهارت هنری، استعداد هنری، نگرش هنری، فعالیت هنری و اقتصاد هنر، قرار دارند. نتیجه حاصله با پژوهش‌های ویسکرمی و همکاران (۱۳۹۶)، عباسی و همکاران (۱۳۹۵)، طاعتیان و اصغرزاده (۱۳۹۴)، نبوی (۱۳۹۲) و صادقی سیاح (۱۳۹۱)، همسو است. در تبیین نتایج به دست آمده، از آن‌جا که گستره هنر در همه پدیده‌های خلقت وجود دارد و اساس آفرینش انسان نیز با هنر عجین شده، همچنین، از طریق هوش هنری، انسان می‌تواند احساسات خود را با زبان بی‌زبانی ابراز کند، می‌تواند هوش هنری را عاملی برای شکوفایی ابتکارات، خلاقیت و نوآوری استعدادها در هر فرد در نظر گرفت که با ایجاد خودباوری، خودشکوفایی، نشاط، شادابی، امیدواری، حس ماندگاری، همدلی، مهارت‌های ارتباطی و به خصوص عزت‌نفس به افراد در توجه به بهداشت روانی‌شان کمک شایانی نماید. به‌ویژه این که امروزه، هنر، هوش هنری و هنر درمانی یکی از ابزارهای تقویت و تخلیه هیجانات روانی و عاملی مهم برای پیشگیری از بیماری‌های روانی شناخته شده نیز به شمار می‌آید. چرا که در اکثر جوامع، افراد، به‌خصوص نوجوانان و جوانان، با ناگفته‌های هیجانی توان ابراز عواطف خود را از دست داده‌اند، که این امر مخالف سلامت روانی آنان است، درحالی که هر انسانی در شرایط عادی باید قدرت ابراز هیجانات روانی خود را داشته باشد تا بتواند در انجام امور محوله به‌خوبی ایفای نقش نماید.

در این میان، عاملی که سبب کمک هوش هنری به انسان می‌شود، استرس‌زدا بودن هنر است. به عبارت دیگر، کار هنری می‌تواند دغدغه‌های ذهنی را کاهش دهد و به مغز فرصت دهد تا بهتر و صحیح‌تر فکر کند. فعالیت‌های هنری سبب درگیری مداوم مغز و اعصاب می‌شود و این درگیری باعث می‌شود که از فراموشی و آلزایمر تا حد زیادی جلوگیری شود. تفکر خلاق و مهارت حل مسئله مزایای دیگری هستند که فعالیت‌های هنری برای انسان به ارمغان می‌آورند و هر چقدر افراد در این زمینه، زمان بیشتری اختصاص دهند، سالم‌تر خواهند بود. همچنین، از طریق درگیر شدن در برنامه‌های هنری، افراد می‌توانند ارتباطات اجتماعی خود را بازسازی و از طریق آن به کاهش تنهایی و انزوا کمک نمایند. بنابراین، هوش هنری موجب ایجاد ارتباط معنی‌دار، بیان خلاق و شخصی، اشتیاق به مشاهده، کاوش و توسعه مناسب‌ترین شکل‌ها و شیوه‌های ارائه، توانایی حس زیبایی‌شناسی، احترام به میراث فرهنگی، آگاهی از زندگی و کار هنرمندان، آشنایی با تکنیک‌های جدید تولید هنری، تلفیق آموختنی‌های تازه با تجربیات گذشته و نظایر آن می‌شود، هنرجویان هم‌چنان که با فراگیری کلمات و جملات از راه توانایی‌های زبانی مانند گوش‌دادن و صحبت-



کردن، مطالب مورد علاقه‌شان را از طریق خواندن و نوشتن ارائه می‌کنند. با عنصرهای اساسی هم‌چون خط، رنگ، شکل، وزن و غیره، از راه تولید هنری و با کمک توانایی‌های هنری نظیر زیبایی‌شناسی، تاریخ هنر و نقد هنری اندیشه‌شان را نشان دهند که در مجموع می‌توانند سبب ایجاد احساس آرامش روحی و روانی در افراد مختلف گردند. از جهتی، هنر جهان گسترده‌ای است که هم‌زمان می‌تواند نقش درون‌سازی و برون‌سازی را برای هر فرد ایفا کند و شیوه‌ای مناسب برای بیان غیرمستقیم نیز محسوب می‌شود، زیرا در رهاسازی هیجانات، کاهش فشارهای روانی، کسب بینش و بصیرت نسبت به خود نقشی سازنده دارد. مشارکت کودک و نوجوان در بیان قصه و گفتن داستان‌هایی با زبان خودش، علاوه بر پرورش نیروی تخیل و قدرت خلاقیت وی، در تشخیص و درمان اختلالات روانی تأثیرات مناسبی دارد. به‌خصوص این که گاه کودک از این طریق به بحث‌های مستقیم، توضیح و تشریح مشکلات خود می‌پردازد.

از همین‌رو، می‌تواند به عنوان یک ابزار در خدمت آموزش و پرورش دانش‌آموزان در دوره‌های مختلف تحصیلی قرار گیرد و اهداف کلی و غایی نظام تعلیم و تربیت را محقق سازد. با عنایت به نتایج این پژوهش، در راستای تقویت هر چه بیشتر هوش هنری در دانش‌آموزان، پیشنهاد می‌گردد مسئولان و دست‌اندرکاران نظام‌های آموزشی، اعم از آموزش و پرورش و آموزش عالی با ایجاد تغییرات مثبت در نگرش‌ها و باورهای دانش‌آموزان و دانشجویان، بر ضرورت توجه به هوش هنری به عنوان یکی از عوامل رشد و توسعه بهداشت فردی و اجتماعی تأکید ورزیده و از طریق برنامه‌ها و الگوهای درسی و آموزشی، تولید محتواهای مناسب در کتاب‌های درسی دانش‌آموزان، برگزاری جلسات آموزشی برای خانواده‌ها، برگزاری سمینارهایی برای دانشجویان به ویژه دانشجویمان رشته‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی و غیره، از طریق بکارگماری متخصصان برنامه‌های درسی هنری، این مهم را بیش از پیش پیگیری نمایند. هم‌چنین انتظار می‌رود نسبت به افزایش توانمندی‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان درس هنر در همه پایه‌های تحصیلی در سراسر کشور، مورد اهتمام جدی مسئولان و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش قرار گیرد. مدیران مدارس نیز می‌توانند با ایجاد فرصت‌های لازم، زمینه‌های مورد نیاز برای شکوفایی استعدادها و مشارکت همه دانش‌آموزان با استعداد و ذوق هنری را فراهم ساخته و از طریق تشکر و قدردانی و اهداء جوایز در مناسبت‌های مختلف از آنان، زمینه‌های دلگرمی‌شان برای بروز مهارت‌های هنری‌شان را فراهم سازند.

## منابع

- اصغرنژاد، طاهره؛ خداپناهی، محمد کریم و حیدری، محمود. (۱۳۸۲). بررسی رابطه باورهای خودکارآمدی، مسند مهارگذاری با موفقیت تحصیلی. *مجله روان‌شناسی*، ۸(۳): ۲۱۸-۲۲۶.
- امیدیان، مرتضی؛ علوی لنگرودی، سید کاظم. (۱۳۸۷). بررسی مقدماتی اعتبار و پایایی ابزاری جدید برای اندازه‌گیری بهداشت روانی. ۳۱.
- رشید، خسرو؛ حسنونند، فضل‌الله و یعقوبی، ابوالقاسم. (۱۳۹۶). ساخت و اعتباریابی آزمون هوش زیباشناسی. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۸(۳۰): ۸۸-۶۹.
- صادقی‌سیاح، علی. (۱۳۹۱). نقش هنر درمانی در سازگاری تحصیلی، اجتماعی و هیجانی کودکان دارای اختلال یادگیری. *مجله تعلیم و تربیت استثنایی*، ۴(۱۱۲): ۳۷-۴۴.
- طاعتیان، سارا و اصغرزاده، علی. (۱۳۹۴). بررسی هوش دیداری فضایی و عوامل موثر بر آن. *کنفرانس بین‌المللی انسان، معماری، عمران و شهر، تبریز، مرکز مطالعات راهبردی معماری و شهرسازی*.
- عاشوری، جمال. (۱۳۹۳). ارتباط خودکارآمدی، تفکر انتقادی، سبک‌های تفکر و هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پرستاری. *مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان*، ۲۳(۳): ۱۵-۲۳.
- عباسی، مریم؛ دانشور، نسیمه و کمالی، زهرا. (۱۳۹۵). نقش هنر در پرورش خلاقیت و ارتقای سلامت‌روانی دانش‌آموزان. *اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، حسابداری، علوم تربیتی و اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل*، ساری، شرکت علمی پژوهشی باران اندیشه.
- فرخ‌نیا، ناز؛ سلیمانی، مهران. (۱۳۹۳). نقش ویژگی‌های شخصیتی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در پیش‌بینی سلامت روان دانش‌آموزان (دختر و پسر). *مجله مطالعات ناتوانی*، ۴(۴): ۳۳-۴۲.
- قنبرلو، سلمان؛ غلامعلی لوانسانی، مسعود و اژه‌ای، جواد. (۱۳۹۴). رابطه خوش‌بینی تحصیلی و هوش هیجانی معلمان با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. *مجله روان‌شناسی*، ۱۹(۳): ۲۳۴-۲۱۸.
- نبوی، سیدصادق. (۱۳۹۲). زنبور عسل هم می‌تواند استاد تو باشد/ نقش هنر در پرورش خلاقیت و ارتقای سلامت روانی دانش‌آموزان. *مجله رشد آموزش مشاور مدرسه*، ۸(۴): ۱۵-۱۰.
- ویسکریمی، حسنعلی؛ منصور، لیلا و روشن‌نیا، سمیه. (۱۳۹۶). اثربخشی نقاشی درمانی بر معنای زندگی و سلامت روان دانش‌آموزان دختر دارای پیشرفت تحصیلی پایین. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۸(۳۲): ۶۲-۳۹.
- Bruffaerts R, Mortier P, Kiekens G, Auerbach R P, et all. (2018). Mental health problems in college freshmen: Prevalence and academic functioning. *J Affect Disord*, 1(225): 97-103.
- Burns N, Grove S K. (2010). *Understanding nursing research: Building an evidence-based practice*. 5th Edition, Elsevier Health Sciences.
- Elias M J, Bruene-Butler Z, Blum L, Schuyler T. (1997). How to launch a social and emotional learning program. *Educational Leadership*, 54: 15-19.
- Goleman D.(1995). *Emotional intelligenc*. Newyork: Bantum Books
- Greene T, Gross R. Amsel L, Hoven C W. (2018). The mental health of children and adolescents exposed to 9/11: Lessons learned and still to be learned. *World Trade Center Pulmonary Diseases and Multi-Organ System Manifestations*, 5: 121-136.
- McLaughlin G W, Brozovsky P V, McLaughlin J S. (1998). Changing perspectives on student retention: A role for institutional research. *Research in Higher Education* , 39: 1-17.
- Mohajer, S. (1996). The importance of aesthetics, Literature and Languages. *Chista journal*, 130: 797-800.
- Organization W O H. (2011). *Río political declaration on social determinants of health*. Rio de Janeiro, Brazil 21.
- Pasi R J. (1997). Success in high school and beyond. *Educational Leadership*, 54: 40-42.

- Reed M I. (1984). MANAGEMENT AS A SOCIAL PRACTICE, Journal of management studies, 21(3): 273- 285.
- Salovay P. Mayer J D. Caruso D. (2002). The positive psychology of emotional intelligence. in C. R. Snyder and S. J. Lopez (Eds.), Handbook of positive.
- Wyatt T J, Oswald S B, Ochoa Y. (2017). Mental health and academic performance of first-year college students. International Journal of Higher Education, 6(3): 178-187.
- Zhang X, Yeung T S, Yang Y, Chandra R M, et al. (2019). Cross-cultural approaches to mental health challenges among students. The Massachusetts General Hospital Guide to Depression.



## Predicting mental health based on artistic intelligence components in junior high school students in Mazandaran province

Masoume hassanpour<sup>1</sup>

Negin Jabbari<sup>2</sup>

Kambiz Ismail Nia Shirvani<sup>3</sup>

### Abstract

**Purpose:** The aim of this study was to predict mental health based on the components of artistic intelligence in junior high school students in Mazandaran province.

**Methodology:** This research was applied and descriptive-correlational. The statistical population was all 124796 students in the first secondary school of Mazandaran province in the academic year 2019-20, which according to Krejcie and Morgan table, 375 people were selected by multi-stage cluster sampling. The measurement tool was a researcher-made questionnaire of art intelligence with 55 items and mental health of Omidian and Alavi Langroudi with 46 items whose construct validity, using factor analysis and reliability through Cronbach's alpha coefficient, respectively, were equal. 0.94 And 0.92 were calculated. Data were analyzed using Pearson correlation coefficient and regression analysis using SPSS23 software.

**Result:** The findings showed that there is a significant relationship between artistic intelligence and its components (artistic talent, artistic attitude, artistic taste, artistic activity, artistic skills and art economics) with students' mental health. Artistic intelligence components explain (predict) 61% of students' mental health. Also, the artistic taste component has the largest share in predicting students' mental health.

**Conclusion:** Artistic intelligence and art therapy as one of the tools to strengthen and discharge psychological emotions and an important factor in preventing mental illness and students' health.

**Keywords:** Intelligence, Artistic Intelligence, Mental Health, First High School Students.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

Department of Educational Management, Islamic Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran <sup>1</sup>

Corresponding Author: Associate Professor, Department of Educational Management, Islamic Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran<sup>2</sup>. [neginjabbari@gmail.com](mailto:neginjabbari@gmail.com)

Associate Professor, Department of Educational Management, Islamic Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran<sup>3</sup>